

اعلان بر نامه ها نیاز مند گام های عملی و پاسخ دهی است

عبدالرحمن فهیمی



در این صورت مردم نسبت به ظرفیت دولت مردان بی باور می گردند. از این پس به هر پیمانه که رییس کشور یا وزیران از برنامه و تدبیر و وعده های مهم سخن زنند، مردم با دید بی اعتمادی خواهند نگرست.

از این روی، به نظر این نوشتار، بهتر است که وزیران محترم، در گزینش مباحث به عنوان برنامه های کاری شان در صد روز، از دقت نظر لازم کار گرفته و مباحث را در برنامه صد روزه شان جای ندهند که قادر به انجام آن نمی گردند. طرح برنامه های کلان و وعده های جذاب ممکن است در هنگامه اعلان خوشایند باشد.

برای وزیر و وزارت میان رسانه ها و مردم جایگاه ویژه باز نماید و همه از طرح برنامه های کلان این گونه برداشت کنند که مدیر شایسته و کارکن در راس فلان وزارت خانه قرار دارد.

اما باید به خاطر سپرد که برنامه نیازمند عمل و برداشتن گام های عملی است.

ناظر بر اعمال حکومت.

از این رو، اگر قرار است وزیران مورد بازپرسی قرار گرفته و از کار کردهای شان پاسخ دهی داشته باشند، همان پاسخ دهی در برابر پارلمان کفایت می کند.

به هر صورت به نظر می رسد که رییس جمهور، خواسته است انتقادهای شدید را از سر شانه های خود دور کرده و به شانه های وزیران ایش منتقل کند.

کلان بودن و آرمانی بودن برخی از برنامه های وزیران در صد روز کاری، پروضح است که عملی نشدن و اجرایی نشدن وقت یک وزیر در برابر ملت تعهد می کند که در صد روز کاری، با فساد مبارزه می کند.

اصلاحات لازم را اعمال می کند و..... اما قادر به انجام ایش نگردد، در برابر مردم بی پاسخ خواهد ماند.

این امر، بی اعتمادی مردم نسبت به دولت مردان و مدیران ارشد حکومتی را به دنبال خواهد داشت.

کردن برخی از آن برنامه ها دشوار می نماید.

ظواهر که رییس جمهور غنی بار سنگین انتقادها را از شانه خودش به گونه ای برداشته است.

در حال که وخامت وضعیت امنیتی، نا به سامانی های اقتصادی و چالش های هدیده دیگر، انتقادهای شدید شهروندان را متوجه شخص ایشان می کرد.

از این رهگذر، خواسته است وزیران را به عنوان مسوولین معرفی کند.

البته مسوول هستند، اما اعلان برنامه کاری و پاسخ گو بودن آن به مردم به نظر لازم کار نمی گیرند.

با تمام احترام به همه وزیران که برنامه های کاری شان را مطرح کردند و خواهند کرد، با تاسف اعلان برنامه نیز مانند خیلی موارد دیگر در این سرزمین ساده گرفته می شود.

به نظر می آید که همه نامزد وزیران برنامه های کلان را به عنوان برنامه های صد روزه شان گزینش کرده اند که عملی

برمبانی دستور رییس جمهور محمد اشرف غنی، وزیران یا اعضای حکومت، ملکتف اند تا برنامه کاری صد روزه شان را بر رسانه های همگانی و در حقیقت با مردم کشور در میان بگذارند.

برای مردم ترسیم کنند که در صد روز آینده، می خواهند چه گام های را بردارند. البته در جای خود این امر ارزشمند و ستودنی است.

زیرا که نخبگان قدرت و مدیران ارشد حکومتی را به پاسخ دهی ملزم می کند و از این رهگذر، حکومت مردم بیشتر معنا می یابد.

حالا بحث این است که وزیران چه نوع مباحث را به عنوان برنامه های شان طرح و ارائه کنند تا قادر به برداشتن گام های عملی شوند؟

به عبارت دیگر، وزیران چه وعده های بدهند تا توان پاسخ گوئی را داشته باشند؟ وعده های کلان یا خرد؟ تا به حال وزارت خانه های ارشاد، حج و اوقاف، تجارت و صنایع، مخابرات، عدلیه و..... برنامه های کاری شان را در صد روز نخست، اعلان کرده اند.

روز گذشته وزارت امور داخله برنامه کاری صد روزه اش را اعلان کرد؛ آغاز روند خلع سلاح گروه های مسلح غیر مسوول، مبارزه با فساد، کاهش تلفات پولیس و مطالعه روی گروه های تروریستی نوظهور از جمله برنامه های کاری این وزارت در صد روز خواهد بود.

چگونگی اعلام برنامه های کاری وزیران، یک واقعیت تلخ جامعه ما را بازگو می کند.

زمان که مرام نامه های احزاب سیاسی، سازمان های اجتماعی و اقتصادی را مطالعه کنیم، اهداف آرمانی و ایده آل به صورت جدی به چشم می آید.

در این صورت اگر به آن اهداف آرمانی و ایده آل عمل شود، بدون تردید که شاهد تحقق جامعه آرمانی و ایده آل خواهیم بود.

سازمان ها و شرکت های اقتصادی -

برمبانی دستور رییس جمهور محمد اشرف غنی، وزیران یا اعضای حکومت، ملکتف اند تا برنامه کاری صد روزه شان را بر رسانه های همگانی و در حقیقت با مردم کشور در میان بگذارند.

برای مردم ترسیم کنند که در صد روز آینده، می خواهند چه گام های را بردارند. البته در جای خود این امر ارزشمند و ستودنی است.

زیرا که نخبگان قدرت و مدیران ارشد حکومتی را به پاسخ دهی ملزم می کند و از این رهگذر، حکومت مردم بیشتر معنا می یابد.

حالا بحث این است که وزیران چه نوع مباحث را به عنوان برنامه های شان طرح و ارائه کنند تا قادر به برداشتن گام های عملی شوند؟

به عبارت دیگر، وزیران چه وعده های بدهند تا توان پاسخ گوئی را داشته باشند؟ وعده های کلان یا خرد؟ تا به حال وزارت خانه های ارشاد، حج و اوقاف، تجارت و صنایع، مخابرات، عدلیه و..... برنامه های کاری شان را در صد روز نخست، اعلان کرده اند.

روز گذشته وزارت امور داخله برنامه کاری صد روزه اش را اعلان کرد؛ آغاز روند خلع سلاح گروه های مسلح غیر مسوول، مبارزه با فساد، کاهش تلفات پولیس و مطالعه روی گروه های تروریستی نوظهور از جمله برنامه های کاری این وزارت در صد روز خواهد بود.

چگونگی اعلام برنامه های کاری وزیران، یک واقعیت تلخ جامعه ما را بازگو می کند.

زمان که مرام نامه های احزاب سیاسی، سازمان های اجتماعی و اقتصادی را مطالعه کنیم، اهداف آرمانی و ایده آل به صورت جدی به چشم می آید.

در این صورت اگر به آن اهداف آرمانی و ایده آل عمل شود، بدون تردید که شاهد تحقق جامعه آرمانی و ایده آل خواهیم بود.

سازمان ها و شرکت های اقتصادی -

سرمقاله

حکومت و جاهای عنکبوتی فقر، فساد و ناامنی

حفیظ الله زکی

هر روزی که می گذرد اعتماد مردم نسبت به دولت و دولتمردان کم می شود. ناامنی در چهارده سال گذشته نیز به عنوان یک چالش همیشگی در برابر دولت و مردم خود نمایی می کرد؛ اما تا این حد بحرانی نشده بود.

پدید آمدن گروه های نو ظهور تروریستی و افزایش ناامنی در ولایات نسبتاً امن کشور، دلیل این است که دولت قادر به کنترل اوضاع امنیتی نیستند.

بر اساس آماري که وزیر داخله ارایه داده، اکنون پانزده ولایت جنوب و شرق کشور در تهدید بلند امنیتی قرار دارند و نه ولایت دیگر در تهدید متوسط و سایر ولایات نیز از گشت و گذار تروریستان در امان نیستند.

بر اساس آماري که وزیر داخله ارایه داده، اکنون پانزده ولایت جنوب و شرق کشور در تهدید بلند امنیتی قرار دارند و نه ولایت دیگر در تهدید متوسط و سایر ولایات نیز از گشت و گذار تروریستان در امان نیستند.

بنابراین بیش از نیمی از افغانستان در ناامنی به سر می برد و بقیه ولایات نیز حد اقل در محیط زندگی شان احساس امنیت نمی کنند.

مشکل بزرگ دیگری که حیات عمومی را در معرض تهدید قرار داده است، مسأله فقر، گرسنگی و بیکاری است که متأسفانه رو به گسترش است و همه ساله تعداد بیشتر خانواده ها را متأثر می سازد. حکومت در این بخش نیز وعده های خوبی به مردم داده بود، اما تا هنوز که نه ماه از تشکیل حکومت وحدت ملی می گذرد، هیچ برنامه ای در این ارتباط روی دست گرفته نشده است.

بسیاری از کسانی که در راس امور اقتصادی قرار دارند، اعتراف می کنند که فرصت های زیادی در این زمینه از بین رفته و فرصت های اندک باقی مانده نیز در حال از بین رفتن است و سران و مسؤولان حکومت وحدت ملی اراده جدی برای مبارزه با فقر و بیکاری و بهبود وضعیت معیشتی مردم ندارند.

رسانه ها که در چهارده سال گذشته به یمن حضور جامعه جهانی و مؤسسات خارجی در افغانستان و بهتر بودن وضعیت اقتصادی مردم به قدرت چهارم نظام تبدیل می شد؛ اکنون بسیاری از آنها تعطیل شده و بسیاری دیگر در آستانه تعطیلی قرار دارند.

مشکلات اقتصادی فرهنگیان، نویسندگان و خبرنگاران و عدم حمایت از آنان، بی انگیزگی مطلق را در میان شان به وجود آورده است. با تضعیف رسانه ها از یک سو پایه های فرهنگ و فعالیت های فرهنگی در جامعه متزلزل می شود و از سوی دیگر حکومت و جامعه به دور از نقد و انتقاد رسانه ها به کار شان ادامه می دهند و بدون این که پیوند منطقی میان دولت و ملت برقرار کرده و نظارت و سلطه قانونی یکی بر دیگری سبب دوام روند اصلاحات و محدودیت رفتارهای فراقانونی گردد، سیاست ها و کارکردها در غرقاب فساد، عقیم و ناکار آ می شوند.

در یک سال اخیر روند مهاجرت به کشورهای خارجی علیرغم همه خطرات آن، رو به فزونی نهاده است.

بسیاری از جوانان و حتا تحصیل کردگان راه پر خطر کشورهای خارجی را بر ماندن در کشوری که جز درد، رنج و عذاب به مردمش هدیه نمی دهد، ترجیح می دهند.

از سوی دیگر مشکل فقر و بیکاری سبب افزایش نیروهای تروریستی در افغانستان شده است.

بسیاری افسراد از روی ناگزیری و برای به دست آوردن چند هزار افغانی در ماه، جان خودشان را به خطر انداخته و به گروه های طالبان و داعش می پیوندند.

چرا ارزش جان شهروندان افغانستان تا این حد پایین آمده است؟ چرا کرامت انسانی در افغانستان معنا و مفهومش را از دست داده است؟ چرا عدالت یک واژه منقور و آزار دهنده در افغانستان شمرده می شود؟ مسؤل این همه بدبختی و بی سروسامانی کیست؟ بسیاری از مردم این روزها می گویند: «صد شکر به حکومت قبلی، حد اقل که از گرسنگی نمی مردیم».

اما مقامات حکومت فعلی، نارسایی های موجود را میراث باقی مانده از حکومت سابق می دانند. اما بحث این است که این مشکلات اگر ناشی از سیاست ها و کارکردهای ضعیف حکومت فعلی است؛ چرا؟ و اگر میراث حکومت قبلی است، حکومت فعلی چه راهکاری برای بیرون رفت از وضعیت آشفته کنونی روی دست گرفته است؟ فرار، فریب و قراقگنی نمی توانست راه حلی برای چالش های موجود به شمار آید.

بحران در کشور فراگیر می شود!

عبدالله هروی

به مسئولان آن چگونه باید امیدوار بود؟ و چگونه نسبت به ادای مسئولیت آنان امیدوار بود؟ جامعه بین المللی که ادعای تأمین و نابودی مخالفین حکومت را داشتند و جان خود را کشیدند و رفتند چه توضیحی در این ارتباط دارند ؟ سخن پرسش برانگیز دیگر وزیر داخله

امنیتی تناقض گویی های آشکار وجود دارد؟ چرا واقعیت ها را به مردم نمی گویند؟ چرا در انجام مسئولیت خود جدی و قاطع و وجدان پسند فعالیت و تلاش نمی کنند؟ چرا همیشه سعی دارند که پرسش های مطرح شده در جامعه را با پاسخ های سطحی و روزنامه نگاری

به فکر سربازگیری می شدند. هم چنین در ادامه گزارش های نشر شده درباره وضعیت امنیتی کشور در رسانه ها آمده است که شمار زیادی پولیس در حمله طالبان به پوسته های امنیتی در جنوب کشور کشته شده اند. به نقل از این رسانه ها مقامها

شکل ممکن ظاهر شده است. با افزایش ناامنی ها در کشور و نیز شدت گرفتن نگرانی های مردم به خصوص در زمینه فعالیت های زندگی و اقتصادی مسئولین کشور این روند را بیشتر یک جنگ تبلیغاتی از سوی دشمنان تلقی کردند. اما رویدادهای خونین در بدخشان و قندوز نشان که مسئله فراتر از جنگ روانی است. ناامنی به عنوان یک واقعیت انکارناپذیر و روبه افزایش در جامعه وجود دارد.

وضعیت امنیتی کشور پس از پایان سوم دور انتخابات ریاست جمهوری و پدید آمدن جنجال های انتخاباتی روز بروز رو به وخامت نهاد. اما انتظار و امید همه این بود که شاید با اعلام حکومت جدید وخامت اوضاع رو به پایان رفته و اوضاع به حالت عادی برگردد. اما متأسفانه برخلاف انتظار اوضاع کشور نه تنها بهبودی نگذاشت بلکه با گذشت هر روز دامنه ناامنی ها در مرکز و ولایات روبه گسترش و وخامت نهاد. دقیقاً در آوان ایجاد حکومت جدید علاوه بر موجودیت گروه های مسلح مخالف هم چون طالبان و حزب اسلامی گلبدین حکمتیار و شبکه حقانی و... گروه جدید بنام «داعش» نیز عرض اندام نمود. گروهی که سابقه فعالیت وی در کشورهای عراق و سوریه و لیبیا به خشن ترین و غیر انسانی ترین



Khaama Press (KP) | www.khaama

این است که مدعی است وزارت داخله و حکومت اجازه نمی دهد که داعش در کشور سرپلند کند! این ادعا با توجه به گزارش های متواتر فعال شدن گروه داعش و جدی بودن سرباز گیری آنان خنده آور و غیر مسئولانه جلوه می نماید. باید پرسید که جناب وزیر در کشوری که دارای نیروی امنیتی و حمایت جدی داخلی و بین المللی می باشد چرا بحث ظهور گروه های هم چون داعش هر روز داغتر از گذشته مطرح می گردد؟ به هر روی متأسفانه با توجه به عدم توجه مسئولان رده اول کشور بخصوص در عرصه امنیتی هرروز شاهد بروز و جدی تر شدن بحران هستیم. تاکنون جز ادعا و نهایت این که جان عده ای از فرزندان این خاک در برابر مخالفین گرفته می شود هیچ نشانه ای از تلاش جدی و دلسوزی واقعی برای افغانستان و مردمان آن از سوی حکومت و متولیان اداره کشور شاهدش نیستیم.

جواب بدهند؟ در شرایط که کشور در آتش بحران و ناامنی می سوزد، کشمکش رئیس جمهور و رئیس اجرائیه بر سرمقام و کرسی های باقی مانده و بلا تکلیفی وزارت دفاع چه توجیهی دارد؟ و... بطور نمونه می توان در همین اظهارات فحوق وزیر محترم داخله تناقض گویی های جدی و اساسی را می توان یافت که یا از سرب بی توجهی و اهمیت ندادن گفته شده است و یا روحیه و احساس مسئولیت پذیری وجود ندارد بلکه در حد افتناع افکار عمومی و خالی ماندن عریضه مطالب و اظهارات بدور از مسئولیت شان را ابراز می دارد؟ وزیر داخله در اظهارات خود دوازده ولایت را تحت سیطره و تهدید جدی طالبان خوانده است و ۹ ولایت دیگر را نیز در تهدید حد وسط اعلام داشته است که جمعا می شود بیست و یک ولایت. در کشوری که بیست ولایت از سی و چند ولایت آن در شرایط بحرانی و ناامن قرار داشته باشد

در ولایت هلمند در جنوب کشور می گویند که در حمله گروهی طالبان مسلح به پوسته های امنیتی در این ولایت، دستکم ۲۰ سرباز پولیس کشته شده اند. قابل یاد آوری است که این نخستین حمله گروهی طالبان و مخالفان مسلح بر مواضع و قرارگاه های نیروهای دولتی به شمار نمی آید. بلکه با آغاز عملیات بهاری طالبان در کشور، حملات این گروه در شماری از ولایات تشدید پیدا کرده است. ماه گذشته نیز طالبان با حمله به پوسته های امنیتی در ولسوالی نوزاد هلمند، نوزده پولیس را کشتند.

حال پرسش این است که به راستی سران کشور و مسئولین حکومت جامعه را به کدام سوی رهبری می کنند؟ چرا نسبت به تأمین امنیت و فعالیت مخالفین حکومت تدابیر جدی و توجه اساسی صورت نمی گیرد؟ چرا در سخنان مقام های حکومت و مسئولین

شکل ممکن ظاهر شده است. با افزایش ناامنی ها در کشور و نیز شدت گرفتن نگرانی های مردم به خصوص در زمینه فعالیت های زندگی و اقتصادی مسئولین کشور این روند را بیشتر یک جنگ تبلیغاتی از سوی دشمنان تلقی کردند. اما رویدادهای خونین در بدخشان و قندوز نشان که مسئله فراتر از جنگ روانی است. ناامنی به عنوان یک واقعیت انکارناپذیر و روبه افزایش در جامعه وجود دارد.

وجود گروه های شر و جنایت کار و تروریست را با عناوین فریبنده و به ظاهر اسلامی نمی شود پندیده گرفت. آدم ربایی های گسترده در نقاط مختلف کشور از جمله ربودن سسی و یک مسافر در مسیر راه قندهار - غزنی از تلخ ترین رویدادهای امنیتی محسوب می گردد که تا هنوز دامنه معضل آن با وجود راهی نزدیک به نوزده نفر از گروگان ها حل نگردیده است؛ بلکه در روزهای اخیر گزارش شده است که شماری دیگر از مردم بیگناه در ولایت غزنی ولسوالی جاغوری دوسباره به چنگال جنایت کاران طالب روده شده است.

شاید در پی بحرانی شدن اوضاع است که مقام های حکومت دیگر قادر به کتمان و یا توجیه آن نبوده و هر مقام به شیوه خود بدان اذعان می دارد. بطور نمونه وزیر داخله کشور نسبت به این موضوع با صراحت اعتراف نموده است که تمام افغانستان محل ناامن برای زندگی شهروندان دانسته می شود. در گزارش رسانه های کشور آمده است که وزیر داخله طی نشست مطبوعاتی اعلام داشته است دوازده ولایت کشور، زیر تهدید گسترده قرار دارد. بنابه نقل این گزارشگران وزیر امور داخله در جریان ارایه برنامه صد روز آینده اش گفت که ۱۲ ولایت در تهدید بالا از سوی طالبان قرار دارد. وزیر امور داخله در جریان ارایه برنامه ۱۰۰ روز نخست این وزارت گفت: در شرایط فعلی، ۱۲ ولایت در تهدید درجه یک، ۹ ولایت در تهدید وسط و بقیه ولایات در حالت نورمال قرار دارد. وی افزود: تلفات پولیس در ماه های اخیر افزایش یافته و تلاش های جدی به هدف جلوگیری از آن آغاز شده است.

وی در ادامه تصریح کرد: داعش از طریق رسانه و از طریق ارتباطات کوشش می کند که هسته خود را ایجاد کند و ما در فکر این هستیم که نگذاریم این گروه سر بالا کند. اگر در یک یا دو فرصت اجازه می دادیم که پیروز می شد؛ همه تروریستانی که از کشورهای خارج و داخل افغانستان است؛



روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید.

هئیت تحریر دم ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود.

مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیاتگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.

www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

دایزین: محمد صالحی، علی اصغر زاهدی
مسئول وب سایت: محمد علی بهرامی

کارتونورست: خالق علی زاده

دکتر امتیاز: دکتر حسین یاسا
مدیر مسوول: محمد رضا هویدا
سردبیر: حفیظ الله زکی

کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۷-۱۳۷

افغانستان The Daily Afghanistan
Outlook AFGHANISTAN
The Leading Independent Voice